

مرتضی عبدالحسینی

روزنامه نگار

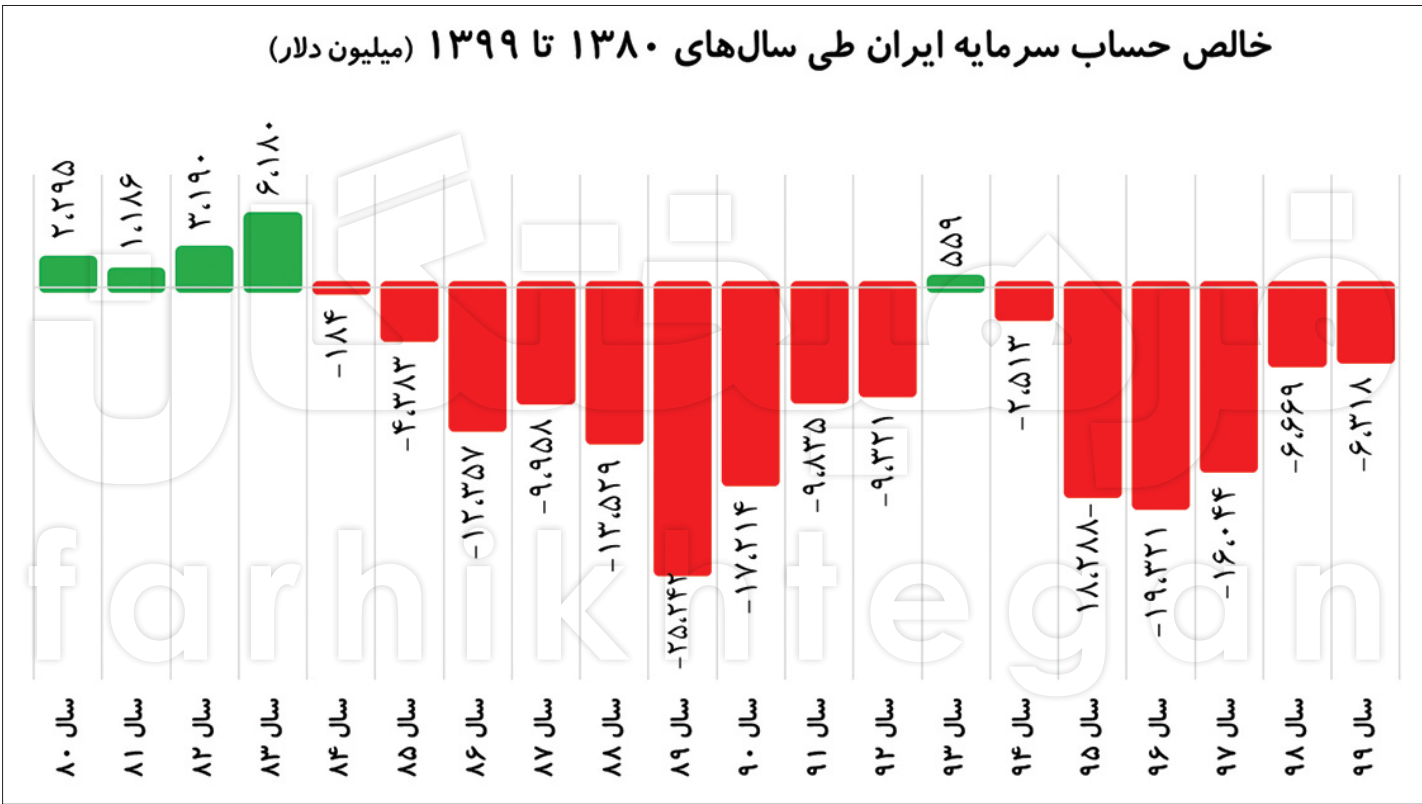
در این تحلیل، مایه موضوعی اشاره می کنیم که شبکه های تحلیل اقتصادی کمتر به آن توجه کرده اند و این موضوع به همراه اخبار تلخ بازارهای ارز، انرژی و طلا به کلی فراموش شده است. این چیزی نیست جز قرار دلار و سرمایه ارزی از ایران و مهاجرت پول به کشورهای همسایه یا دیگر کشورهای جهان. متأسفانه گزارش های این بخش بسیار نگران کننده است. در این گزارش که ابعاد مختلف موجودی سرمایه را در دهه های ۸۰ و ۹۰ مورد بررسی قرار داده، نشان می دهد در این سال ها با خروج ۱۵۸ میلیارد دلار سرمایه از اقتصاد، کشور با افول جدی حساب سرمایه روبه رو بوده است. بدترین سطح از خروج سرمایه، مربوط به سال ۱۳۹۶ است که حدود ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است. شواهد موجود نشان می دهد خالص حساب سرمایه کشور در دهه ۹۰ با نزول ۹۳ میلیارد دلاری روبه رو بوده است. شاهد خارجی این موضوع خرید بیش از ۷ هزار باب منزل در سال ۲۰۲۰ در کشور ترکیه توسط خریداران ایرانی بوده است. حجمی عظیم از سرمایه گذاری احتیاطی که ناشی از بی ثباتی پیوسته اقتصاد ایران در دهه ۹۰ بوده و ۱۷ درصد از کل خانه های به فروش رفته در ترکیه در سال ۲۰۲۰ را شامل می شود. بررسی روند خروج سرمایه در این نشان می دهد چه در سال هایی که اقتصاد از خوش بینی وثبات برخوردار بوده (مانند سال ۱۳۹۵) و چه در سال هایی که اوج پدیده های بین المللی و اقتصادی (سال ۱۳۹۷) حاکم بوده، خروج سرمایه نه تنها قطع نشده بلکه با قدرت نیز افزایش پیدا کرده است. مثلاً در سال ۱۳۹۹ که کشور با کمبود ارز روبه رو بوده نیز حدود ۶ میلیارد دلار ارز از کشور خارج شده که آمار عجیبی است. یکی از مواردی که در خروج سرمایه کمتر به نظر می آید، کنترل حساب سرمایه توسط مقامات پولی و مالی است. به طور مثال براساس آمار در حدود ۶۲۰ صرافی مجاز ارزی در کشور در حال فعالیت است و در کنار آنها نیز شبکه گسترده ای از صرافان و دلالتن غیرمجاز ارزی وجود دارند که کشور را با مخاطرات جدی روبه رو کرده اند. شاید جالب باشد که یکی از دلایل خروج زودهنگام اقتصادهای شرقی از بحران سال ۲۰۰۸ همین کنترل حساب سرمایه از طریق محدودیت در فعالیت صرافی ها و خروج ورود ارز بوده که تجربه قابل بررسی ای است.

#### پرواز ۱۷۱ میلیارد دلاری سرمایه از ایران

متأسفانه خروج سرمایه از ایران، بسیار نگران کننده شده است. خروج سرمایه در ایران خاصه در یک دهه اخیر به پنهان اهداف و مقاصد مختلف انجام شده که همگی به دلیل ضعف شاخص های سرمایه گذاری و عدم سهولت تجارت و بی اعتمادی به محیط اقتصاد کلان بوده است. بررسی آمارهای اعلام شده از سوی بانک مرکزی نشان می دهد که طی ۱۶ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ حدود ۱۷۰ میلیارد و ۶۱۷ میلیون دلار سرمایه از کشور خارج شده که در چند سال اخیر اوج آن را در خرید و سرمایه گذاری مسکن در کشورهای همسایه مثل ترکیه، گرجستان و امارات توسط ایرانیان می بینیم. علاوه بر خروج سرمایه گذاری، روندهای معکوس ورود سرمایه و سرمایه گذار ها به اقتصاد کشور به دلیل تحریم ها بسیار کاهش یافته و باید هزینه استهلاک پروژه ها را به این موضوع اضافه کنیم. تعداد زیادی از سرمایه گذاران بین المللی به دلیل تحریم های ایران سرمایه گذاری های خود را پس گرفته یا پروژه های خود را متوقف کرده اند. از طرفی روند سرمایه گذاری در کشور طی پنج سال گذشته منفی بوده و نرخ استهلاک از سرمایه گذاری فراتر رفته است که نکته جالب توجه ای است. میزان خروج سرمایه در حالی گویای اثر تحریم و سیاست گذاری اقتصادی غلط بر بنیه اقتصاد ایران است که پیش تر بسیاری از کارشناسان اقتصادی از دهه ۹۰ به عنوان دهه سوخته و از دست رفته یاد کردند که در آن نتنها میانگین رشد اقتصادی کشور به فرسرد رسید که تشکیل سرمایه نیز در این دوره منفی شد و هزینه تولید هم به شدت با افت. کنار

«فرهیختگان» گزارش می دهد: آمار خروج سرمایه از ایران تأسف برانگیز است، دولت سیزدهم چه نقشه راهی دارد؟

# خروج ۱۷۱ میلیارد دلار سرمایه در ۱۶ سال



هم قرار دادن این گزاره ها نشان می دهد فوریت تغییر ریل اقتصاد چنانده حیاتی است. از آنجا که فرار سرمایه از کشور نشانه خالی شدن ظرفیت اقتصاد برای رشد و خلق ثروت است، خروج حدودا ۱۵۸ میلیارد دلار سرمایه از کشور تبعات بسیاری برای کشور در دهه پیش رو در پی دارد.

**خروج سرمایه حتی در سال های ثبات و خوش بینی**

خروج سرمایه یک پدیده اقتصادی - اجتماعی است که عواملی نظیر نبود چشم انداز مناسب در وضعیت سیاسی و اقتصادی، خلأهای موجود در سیاست عمومی کشور در حمایت از سرمایه، موانع کسب و کار و دشوار بودن فعالیت های اقتصادی، ریسک بالای سرمایه گذاری، تمایل به زندگی خارج از مرزهای کشور و اخذ اقامت در کشورهای خارجی در آن دخیل است. همچنین مهم ترین مصادیق خروج سرمایه از کشور مواردی نظیر سرمایه گذاری و خرید داریی ها در خارج کشور، مانند خرید مسکن، سرمایه گذاری در قالب احداث شرکت یا خرید دارایی مالی (اوراق بهادار، سپرده بانکی یا رمز ارزها) است. همچنین مهم ترین سازوکار خروج سرمایه استفاده از ارز حاصل از صادرات غیرنفتی است. با این وجود به نظر می رسد که خروج سرمایه در ایران سواى از دلایل قابل توجهی از روند غیر قابل توجیهی برخوردار است که نشان می دهد این امر در واقع «عادت اقتصادی» و یا حتی فرهنگ اقتصادی ایرانیان شده است. محاسبه دقیق خروج سرمایه کار دشواری است، اما می توان با بررسی «حساب سرمایه» که داده های آن توسط بانک مرکزی منتشر می شود به بخشی از واقعیت دست یافت. بیشترین کسری حساب سرمایه طی ۱۰ سال اخیر نیز به سال ۱۳۹۶ اختصاص داشته که ۱۹/۴ میلیارد دلار است. براساس آمارهای بین المللی جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) ایران در سال ۲۰۲۰ نسبت به ۲۰۱۹ حدود ۱۱ درصد افت داشته است. از جمله عواملی که در تضعیف حساب سرمایه کشور موثر است، عدم جذب سرمایه گذاری

مستقیم خارجی و خروج سرمایه از کشور است که بخشی از خروج سرمایه هم مربوط به خرید املاک در سایر کشورهای همسایه به ویژه ترکیه، اختصاص دارد. ایرانیان با سهم ۱۷/۴ درصدی از تعداد املاک و مستغلات فروخته شده به خارجی ها در ترکیه در سال ۲۰۲۰ و کسب ژئو ایل، تعداد ۷ هزار و ۱۸۹ واحد مسکونی را در این سال خریداری کرده اند که در مقایسه با سال ۲۰۱۹ از افزایش ۳۳ درصدی هم برخوردار بوده است. اما اینکه می گوئیم خروج سرمایه در ایران مزمن شده و روند آن گاهی بدون توجهی است، منظور چیست؟ بر اساس ارقام ذکر شده در متن و نمودار مشخص است که در سال های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ که اقتصاد ایران در خوش بینی های برجامی سیر می کرده نیز به ترتیب ۱۸ و ۱۹ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شده و روند رو به رشدی را طی کرده است. حتی می بینیم که در سال ۱۳۹۷ که با خروج آمریکا و شوک عظیم تحریمی مواجه بودیم، ۱۶ میلیارد دلار سرمایه از ایران خارج شده که در واقع ادامه روند سال های قبل تر است. بنابراین به نظر می رسد که خروج سرمایه در ایران که در این دوده پر رنگ تر شده، تماما با عوامل روز و موسوم قابل توجهی نبوده و احتمالا دید بلندمدت فعالان اقتصادی است که باعث خروج سرمایه از ایران حتی در سال های خوش بینی و ثبات شده است.

#### ارقام عجیب از سرمایه گذاری در ترکیه و امارات

سرمایه ایرانی ها به واسطه فقدان آمارهای رسمی چندان قابل رصد نیست، اما در برخی کشورها از جمله امارات و ترکیه میزان خروج سرمایه به این مقاصد تقریباً از آمار و ارقام برخوردار است. برای مثال، طبق این آمارها، در سال گذشته ۵۴۵ هزار ایرانی در امارات ساکن بوده اند. همچنین آمارهای غیر رسمی نیز نشان می دهد بیش از ۸ هزار شرکت ایرانی و ۶ هزار بازرگان ایرانی در سراسر امارات فعالیت می کنند. گرچه در سال های اخیر خروج سرمایه از ایران به مقصد دبی و ابوظبی امارات کمتر شده، اما طبق آمارهای اداره املاک

واراضی دبی، در سال ۲۰۱۲ حجم سرمایه گذاری ایرانی ها در املاک امارات حدود ۹۰۰ میلیون دلار بوده است. همچنین طبق این آمارها، ایرانی ها در سال ۲۰۱۱ پس از هندی ها، انگلیسی ها و پاکستانی ها، در رتبه چهارم گروه خریداران املاک در دبی بودند که ۱۱۴۴ ملک به ارزش یک میلیارد و ۲۱۵ میلیون دلار خریداری کرده بودند. این ارقام در سال های بعد نیز بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار در نوسان بوده، اما از سال ۲۰۱۷ تاکنون ارقام قابل توجهی منتشر نشده است. مورد بعدی، خروج سرمایه از ایران به مقصد ترکیه است. بررسی ها نشان می دهد از اوایل سال ۲۰۱۵ تا ۸ ماهه ۲۰۲۱ ایرانی ها در مجموع ۲۳ هزار و ۶۴ فقره ملک در این کشور خریداری کرده اند که اگر حداقل سرمایه گذاری را ۲۵۰ هزار دلار (رقم پدیرش تابعیت) در نظر بگیریم، ایرانی ها طی ۶ سال اخیر ۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار فقط در املاک ترکیه سرمایه گذاری کرده اند. همچنین طی سال های ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۲۱ ایرانی ها در مجموع ۴ هزار و ۵۱۱ شرکت در ترکیه تأسیس کرده اند که برآورد می شود حدود ۳ میلیارد دلار نیز در این بخش سرمایه گذاری شده باشد. البته سرمایه گذاری در سهام و دیگر اقسام سرمایه گذاری ایرانی ها در ترکیه و امارات چندان مشخص نیست و باید منتظر ارقام عجیب تر نیز باشیم.

#### ۷ دلیل فرار سرمایه ها

همانطور که گفته شد خروج سرمایه در اقتصاد تبدیل به بیماری مزمن شده و این دید بلندمدت فعالان است که بدون توجه به اتفاقات کوتاه مدت، انگیزه ای برای سرمایه گذاری در ایران پیدا نکرده و به خرج سرمایه خود از چرخه اقتصاد ترغیب می شود. با این حال اما می توان دلایلی را که در کوتاه مدت باعث افزایش خروج سرمایه از میانگین بلندمدت آن می شود را به ترتیب زیر برشمرد: ۱. تقویت نرخ ارز؛ یکی از علل اصلی فرار سرمایه که اکثر ابر آن اتفاق نظر دارند، احتمال تغییر (افزایش) نرخ ارز است. به عبارتی دیگر پول داخلی کمتر از حد ارزش گذاری خواهد شد، در نتیجه کاهش



رسمی در ارزش گذاری پول در آینده قابل پیش بینی است. البته این معضل در کشورهای توسعه یافته مانند ایران که از درآمدهای نفتی نیز برخوردار است گاهی اجتناب ناپذیر و غیر قابل کنترل می شود. ۲. کسری بودجه؛ کسری بودجه دولت که به وسیله انتشار پول تأمین مالی شده است، فشارهای تورمی را به وجود می آورد. افزایش نرخ تورم باعث کاهش ارزش دارایی های داخل می شود. بنابراین به دلیل اجتناب از کاهش دارایی داخلی افراد به خرید دارایی های خارجی یا انتقال سرمایه داخلی به خارج اقدام می کنند. ۳. ریسک؛ اختلاف ریسک سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی، یکی دیگر از عوامل فرار سرمایه است. اکثر کشورهای پیشرفته، نظام سیاسی و اقتصادی با ثبات و ثبیتات قانونی مدون و مشخص دارند، در حالی که کشورهای در حال توسعه از این جنبه ها محروم هستند. ۴. نرخ رشد اقتصادی؛ رشد اقتصادی با فرار سرمایه یک رابطه دایالکتیک و دوطرفه دارد به صورتی که افت تولید ناخالص داخلی منجر به فرار سرمایه و ایضا خروج سرمایه نیز بر کاهش هر چه بیشتر تولید ناخالص داخلی موثر است. ۵. قوانین و مقررات؛ محدودیت ها و مقرراتی که دولت ها روی بازارهای مالی داخلی وارز خارجی وضع می کنند، یکی از علل این پدیده می باشد. از عوامل ساختاری دیگری که ساکنان داخلی را به سرمایه گذاری در خارج تشویق می کند، شامل پایین بودن هزینه فرصت در بازار سهام داخل و فقدان کامل بیمه سپرده روی دارایی های نگه داشته شده و فقدان کامل بیمه سپرده روی دارایی های نگه دارز خارجی می کنند، یکی از علل این پدیده می باشد. از عوامل ساختاری دیگری که ساکنان داخلی را به سرمایه گذاری در خارج تشویق می کند، شامل پایین بودن هزینه فرصت در بازار سهام داخل و فقدان کامل بیمه سپرده روی دارایی های نگه دارز خارجی می کنند، یکی از علل این پدیده می باشد. از عوامل ساختاری دیگری که به خروج سرمایه از ایران تبدیل شد، ناامنی بازارها بود. حتی بازار مسکن نیز گاهی تحت سایه جنگ تحت رهبری ترامپ متزلزل می شد. بنابراین مردم کار مولد و صنعتی را رها کردند و به فکر انتقال سرمایه به بازارهای امن تر بودند. ۷. رمز ارزها؛ موضوع دیگری که در سال های اخیر رخ داد موضوع بازار سهام بود که بر تفکر سرمایه گذاری در ایران تأثیر بسزایی گذاشت. پس از تعلل دولت قبل در توسعه بازار سرمایه و نیمه کاره گذاشتن آن، شاهد ظهور سرمایه گذاری های نوینی مثل رمز ارز ها هستیم.

#### شبکه گسترده صرافی در ایران

کنترل حساب سرمایه جزء اومری است که در شرایط عادی اقتصادی توصیه نمی شود، اما تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می دهد اجرای این مساله در شرایط نااطمینانی و بحرانی احتمالا موثرتر است. به عنوان مثال در بحران ۲۰۰۸ کشورهای آسیای شرقی خیلی زودتر از کشورهای غربی از رکود خارج شده و بحران را پشت سر گذاشتند. یکی از موارد کمک کننده در کتاب «بلانچارد؛ اقتصاددان با عنوان «آنچه اقتصاد از بحران آموخت» همین مساله است. او معتقد است اعمال محدودیت از سوی مقامات کشورهای شرقی بر حساب سرمایه و محدودیت خروج و ورود ارز باعث شد این کشور ها زودتر بتوانند به بحران خاتمه دهند. در کشورهای آسیای شرقی مانند کره، تایوان و... به هیچ وجه مانند ایران از صرافی های فراوان برخوردار نبوده و بسیاری از فعالیت های ارزی از طریق بانک ها انجام می شود. این در حالی است که در کشور مانند آنها ۶۲۰ صرافی مجاز وجود دارد و در کنار آن شبکه ای گسترده از بازارهای سیاه ارزی وجود دارد که نمی توان از نقش آنها در توزیع مخاطرات گذشت کرد. در کشور ما از یاز طریق بانک مرکزی که آن هم درآمدهای نفتی است وارد می شود یا از طریق صادرات های غیرنفتی. در مورد اول که عمده درآمد ارزی ایران در بلندمدت را رقم زده است، بانک مرکزی ارز را در بازار توزیع کرده که گسترده بودن شبکه ارزی در ایران به چرخش بیش از حد کمک می کند. با توجه به منفی بودن انگیزه های اقتصادی در ایران، فعالان راهی جز تبدیل ریال به دلار نداشته اند و در خوشبینانه ترین حالت آن را در کشورهای خانه نگه داری می کنند و در بدترین حالت نیز راهی برای خروج آن. بنابراین به نظر می رسد کنترل حساب سرمایه از سوی دولت و بانک مرکزی و استفاده از درآمدهای ارزی برای بهبود آن بهترین راه نبوده است. در کنار این بایستی در دوران وفور درآمد ارزی نیز بخشی از درآمد به کشور وارد نشده و صرف سرمایه گذاری های بین المللی شود.

## گزارش

کانون وکلای انحصار از هر نوعی را دوست دارد و نمی خواهد آن را از دست بدهد؛ فرقی هم نمی کند این انحصار از نوع محدود کردن ظرفیت پذیرش در آزمون وکالت باشد یا فعالیت هر استاز تاپ یا پلتفرمی که دسترسی مردم به وکلای دادگستری و خدمات حقوقی را تسهیل و ارزان کند. کانون وکلا که سال هاست می گویند تعداد قابل توجهی از وکلا به ویژه وکلای جوان بیکار هستند و همین قضیه را دستمایه محدودیت در ظرفیت پذیرش آزمون وکالت قرار داده، هیچ اقدامی برای اشتغال داریی وکلای بیکار نمی کند و فقط از این مساله به عنوان بهانه ای برای ادامه انحصار طلبی خود استفاده می کند که روزهای خوش انحصار طلبی آنها نیز با تصویب طرح تسهیل مجوزهای کسب و کار در مجلس شورای اسلامی رو به پایان است.

#### ۹۰ درصد پرونده های قضایی وکیل ندارند

براساس آماري که وزارت دادگستری در هفته قوه قضائیه اعلام کرده، ۶۰۰ میلیون و ۶۰۰ هزار پرونده یک تار در قوه قضائیه وجود دارند که سالانه وارد دستگاه قضایی می شوند و این رقم با احتساب پرونده های تکراری به حدود ۱۷ میلیون پرونده می رسند. با احتساب این تعداد پرونده مطروحه در دستگاه قضایی و بدون در نظر گرفتن پرونده های تکراری، به هر کدام از ۶۵ هزار و کیلی که در کشور هستند چیزی حدود ۱۴۷ پرونده می رسد اما جالب اینکه امروز ۹۰ درصد پرونده های مطرح در محاکم دادگستری بدون وکیل است و مردم ترجیح می دهند وکیل نگیرند و خودشان برای پیگیری پرونده هایشان در دادگستری حاضر شوند که این مساله علاوه بر افزایش ازدحام جمعیت در مجتمع های قضایی، موجب طولانی شدن روند رسیدگی نیز می شود. اکنون سوال این است که چرا مردم علاقه ای به داشتن وکیل در پرونده هایشان ندارد؟ مگر نه اینکه به گفته مسئولان کانون های وکلا تعداد زیادی وکیل بیکار وجود دارد که حتی قادر نیستند هزینه تمهید پروانه های وکالت خود را پرداخت کنند.

# انحصار طلبان کانون وکلا علیه جیب مردم

#### یک بام و دو هوای کانون وکلا

در سال های اخیر با گسترش روزافزون فناوری های نوین در ابعاد مختلف زندگی مردم و جامعه، شرکت های نوآفرین یا همان استاز تاپ ها در حوزه های گوناگون کسب و کار ورود کرده اند که از نمونه های موفق آن می توان به استاز تاپ های فعال در حوزه حمل و نقل اشاره کرد؛ استاز تاپ هایی که هم هزینه های مردم را کاهش داده اند و هم بازار را رقابتی کرده اند. بر همین اساس در حوزه خدمات حقوقی و قضایی نیز یکی، دوسالی است که استاز تاپ های حقوقی وارد شده اند تا بدون دخالت در امر وکالت، هم قیمت خدمات حقوقی و قضایی مانند گرفتن وکیل در پرونده های قضایی را برای مردم کاهش دهند و هم موجب اشتغال زایی وکلایی شوند که کانون وکلا چند سالی است با کوئیدن بر طبل بیکاری آنها به انحصار طلبی خود ادامه می دهد. در حالی که به نظر می رسید کانون وکلا از حضور و فعالیت این استاز تاپ های حقوقی در راستای نگرانی هایش نسبت به بیکاری وکلا به ویژه وکلای جوان حمایت کند اما کانون وکلای دادگستری مرکز در اقدامی عجیب از یکی از استاز تاپ های فعال در این حوزه به اتهام دخالت در امر وکالت شکایت کیفری کرده است، به طوری که انتشار خبر شکایت کانون وکلای دادگستری مرکز از یک اپلیکیشن موبایلی که در حوزه استاز تاپی توانسته خدمات حقوقی مناسبی به متقاضیان آن برساند، شگفتی محافل حقوقی و رسانه ای را در پی داشته است. جدا از اینکه کانون وکلا از یک اپلیکیشن به اتهام دخالت در امر وکالت شکایت کیفری مطرح کرده است، مقابله این کانون با استاز تاپی که در آن توسعه خدمات حقوقی و به ویژه معرفی

یک دفعه چه اتفاقی افتاد که تصمیم به شکایت برای تعطیلی این اپلیکیشن گرفتند؟! »

وی افزود: «اگر منظور مسئولان کانون از آن جلسات دریافت و اسناد و مجوزهای مابرای شکایت از سیدوک بود که به طور قطع این حرکت غیر اخلاقی است ولی شاید برای کانون وکلا کار غیر اخلاقی معنی نداشته باشد اما برای ما به عنوان یک پلتفرم حوزه خدمات حقوقی، اخلاق و پایبندی به اخلاقیات از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.» به گفته این فعال حوزه استاز تاپ که خدمات حقوقی را به صورت آنلاین در دسترس کاربران قرار می دهد، این اپلیکیشن تمام مجوزهای لازم را از نهادها و مراجع مربوطه اخذ کرده است، بنابراین فعالیت های قانونی آن مورد اعتراض و شکایت کانون وکلا قرار گرفته است!

به نظر می رسد این اپلیکیشن استاز تاپی، مطالبات و دغدغه های موکل وکیل را توانم پیگیری می کند؛ حال این سوال مطرح است که چرا کانون وکلا نسبت به این اپلیکیشن حالت نهاجمی گرفته است؟ چرا تسهیل کردن ارتباط مردم با جامعه وکلا از نظر کانون وکلا دخالت در امر وکالت محسوب می شود، در حالی که این اپلیکیشن وکالت نمی کند، بلکه استاز تاپی برای پیوند بین مردم نیازمند به خدمات حقوقی، وکالتی و کارشناسی با حقوق دانان، وکلا و کارشناسان رسمی است. کاربران این اپلیکیشن در انتخاب وکیل خود آزاد هستند و با توجه به رزومه وکلای عضو که در دسترس است و نظره های مردمی ثبت شده در آن، در انتخاب وکیل دست بازتری دارند و این اصلا به معنای دخالت در امر وکالت نیست، بلکه به نوعی توسعه امر وکالت به نفع وکیل و موکل است. درست مانند آنچه امروز در بسیاری از پلتفرم های مشابه مانند اسنپ و تپسی شاهد هستیم.»